

حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

اگر نفسی فی سبیل الله نفسی برآرد و خدمتی بنماید ، در ملکوت ابهی مذکور آید . هرگز فراموش نشود .

عنوان برنامه : نقش فرد در جامعه بهایی

قسمت روحانی

- ۱- مناجات شروع از آثار حضرت بهاءالله جلّ کبریائهُ
- ۲- مناجات دوم از آثار حضرت عبدالبهاء قولهُ تعالی
- ۳- کلمات مبارکه مکنونه
- ۴- لوح حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

- ۵- توفیق حضرت ولی محبوب امرالله : " سرنوشت جامعه به افراد احباء وابسته است "
- ۶- قسمتی از پیام ۹ ژانویه ۲۰۰۱
- ۷- منتخباتی از سخنرانی های جناب نخجوانی
- ۸- برنامه نوگلان بوستان الهی
- ۹- شور و مشورت

قسمت اجتماعی

- ۱۰- الفت و پذیرائی
- ۱۱- مناجات خاتمه (به انتخاب تلاوت کننده

ناظمین محترم

ضمن عرض خالصانه ترین اشواق قلبیه ، این برنامه سعی دارد " نقش فرد در جامعه بهائی " را مورد بررسی قرار دهد

نقش فرد به عنوان یکی از " مجریان سه گانه نقشه " حائز اهمیت بی نظیری است . بیت العدل اعظم در پیام رضوان ۱۵۳ چنین می فرماید : " فرد است که روح ایمان را که اساس موفقیت در اقدامات تبلیغی و توسعه و پیشرفت جامعه است زنده و نباض نگاه می دارد . " و نیز در پیام رضوان ۱۵۰ به بیانی از حضرت ولی عزیز امرالله اشاره می شود که می فرمایند افراد کسانی هستند که " سرنوشت کلّ جامعه بهایی مآلاً به همت آنان موکول و معلّق است و قابلیت انجام اقداماتی را دارند که موفقیت هر یک از نقشه های جهانی را تأمین خواهد کرد " .

با استفاده از بیانات فوق و مطالب مندرج در برنامه خواهشمند است اعضای جلسه را به بحث در این زمینه راغب نمائید .

۱- مناجات شروع از آثار حضرت بهاء الله جل کبریائهُ

ای إله من ، جوهر حمد و ساذج ثنا مخصوص ذات بی مثلت بوده و هست . ای سید من و مقصود من ، به چه لسان عنایات لانهایه ات را ذکر نمایم ، امری را که الیوم علماء و عرفا و حکماء از آن محرومند مرا به آن فائز فرمودی . از دریای کرمت سائلم که آنچه عطا فرمودی ، حفظش نمائی . **الامرُ بیدک و أنت الغفورُ الکریم . الحمدُ لک یا مقصود العارفين .**

آیات الهی جلد ۲ ص ۳۷۸

ساذج : جوهر لانهایه : بی نهایت سائل : پرسش کننده ، تقاضا کننده
الامر بیدک ... : امر به دست تو است و بدرستی که تو آمرزنده و بخشنده ای . ستایش بر تو باد ای مقصود عارفان

۲- مناجات دوم از آثار حضرت عبدالبهاء قوْلُهُ تعالی

الله ابهی

ای خدای یگانه این بنده خویش را طرازِ دیباجِ کینونات فرما و این عبد خود را در بین ملاء امکان به تاج عبودیت سرفراز کن . این بینوا را به صرفِ عنایت پُر نوا کن و این بی سروسامان را در پناهِ خویش سرو سامانی بخش . از کأسِ انقطاع بنوشان و از جامِ عنایت سرمست نما . بنده ضعیف چه تواند و پشه نحیف چه پرواز نماید ، اوج عزت کجا ، بال و پر مرغِ ذلت کجا . ای پروردگار تو تأیید فرما ، تو توفیق بخش . **أَنْكُ أَنْتَ الْكَرِيم .**

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء چاپ آلمان ص ۲۱۸

طراز : زیور دیباج : لباس ابریشمی کینونات : حقایق
ملاء امکان : اهل دنیا کأس : جام نحیف : ضعیف

۳- کلمات مبارکه مکنونه

يَا ابْنَ الْوَجُودِ

مَشَكَاتِي أَنْتَ وَ مَصْبَاحِي فِيكَ ، فَاسْتَنْرُ بِهِ وَ لَا تَفْحِصْ عَنْ غَيْرِي لِأَنِّي خَلَقْتُكَ غَنِيًّا وَ جَعَلْتُ النِّعْمَةَ عَلَيْكَ بِالْغَةِ .

يَا ابْنَ الْوَجُودِ

صَنَعْتُكَ بِإِيَادِي الْقُوَّةِ وَ خَلَقْتُكَ بِإِنَامِلِ الْقَدَرَةِ وَ أَوْدَعْتُ فِيكَ جَوْهَرَ نُورِي فَاسْتَعْنِ بِهِ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ ، لِأَنَّ صُنْعِي كَامِلٌ وَ حُكْمِي نَافِذٌ لَا تَشْكُ فِيهِ وَ لَا تَكُنْ فِيهِ مُرِيبًا .

ای بنده من

مَثَلِ تُو مِثْلِ سَيْفٍ پَر جَوْهَرِي اسْتِ كِه دَر غَلَا فِ تِيرِه پَنَهَان بَاشَد وَ بِه اَيْن سَبَبِ قَدَرِ آن بَر جَوْهَرِيَان مَسْتَوْر مَانَد . پَس اَز غَلَا فِ نَفْسِ وَ هُوِي بِيروْنِ آيِ تَا جَوْهَرِ تُو بَر عَالَمِيَان هُوِيْدَا وَ رُوْشِنِ آيِدِ .

ای دوست من

تُو شَمْسِ سَمَاءِ قَدَسِ مَنِي خُودِ رَا بِه كَسُوفِ دُنْيَا مِيَالَايِ . حُجُبَاتِ غَفَلَتِ رَا خَرَقْ كُنْ تَا بِي پَرْدِه وَ حِجَابِ اَز خَلْفِ سَحَابِ بَدْرِ آئِي وَ جَمِيْعِ مَوْجُودَاتِ رَا بِه خَلْعَتِ هَسْتِي بِيَارَايِي .

مضمون بیانات مبارک به فارسی

ای پسر وجود

چَرَاغْدَانِ مَن تُو هَسْتِي وَ چَرَاغِ مَن دَر تُو سْتِ . پَس بُو سِيْلِهِ آن رُوْشِنِ شُو وَ اَز غَيْرِ مَن جَسْتَجُو مَكْنِ بَدْرَسْتِيكِه مَن تُو رَا غَنِي خَلْقِ كَرْدَمِ وَ نَعْمَتِ رَا بَرَايِ تُو كَامِلِ قَرَارِ دَادَمِ .

ای پسر وجود

با دستان قوت تو را ساختم و به سر انگشتان توانایی تو را خلق نمودم و جوهر نورم را در تو به امانت گذاشتم پس بوسیله آن از هر چیزی مستغنی شو برای اینکه همانا ساخته من کامل است و حکم من نافذ است در آن شک مکن و از شکاکان مباش.

سیف پر جوهر : شمشیر جواهر نشان غلاف : پوشش مستور : پنهان

جوهریان : جواهر شناسان کسوف : تیره شدن خورشید خرق : پاره کردن

حجبات : پرده ها خلف : پشت سحاب : ابر

صلا : ندا (دعوت عام) فراش : بستر ، رختخواب

وادی : صحرا حیرت : سرگردانی

سلسبیل : چشمه ای در بهشت - آب شیرین و گوارا عین بصیرت : چشم روشن بین

رجا : امید

۴- لوح مبارک حضرت عبدالبها

هوالبهی

ای ناطق به ثنای محبوب معنوی ، صلا ی بیداری از ملکوت ابهی می رسد که ای خفتگان فراش غفلت ، وقت هوشیار است و ای ساکنان وادی حیرت ، زمان بیداریست و ای تشنگان سلسبیل حقیقت ، دم ورود بر ساحل بحر موهبت است و ای طالبان جمال معشوق روحانی ، وقت مشاهده آیات به عین بصیرت . تا چند مأیوسید و تا کی به هوای خویش مأنوس ؟ وقت رجاست ، وقت وفاست ، وقت نداست ، وقت انقطاع است ، وقت ارتفاعست ، وقت اکتفاست ، بکوشید ، بجوشید ، بخروشید که زمان می گذرد . ع ع

نشریه عندلیب شماره ۶ سال دوم ص ۷

۵- سرنوشت جامعه به افراد احباء وابسته است.

"مقابله و مبارزه ای روحانی چنین سرسختانه و مصرّانه ، و در عین حال عظیم و پرشکوه ، ابتدائاً و بدون هیچگونه تردیدی ، متوجه فرد مومن است که در آخرین وهله ، سرنوشت کل جامعه موکول و منوط به اوست . فرد است که تشکیل دهنده تار و پودی است که کیفیت و الگوی بافت و ساخت کلی جامعه باید بدان وابسته باشد . فرد است که به عنوان یکی از حلقات لا تُعَدُّ سلسله مستحکمی که هم اکنون کره ارض را احاطه کرده ، عمل می نماید . فرد است که همچون یکی از آجر های لا تُحصی که حافظ بنا و ضامن استحکام قصر مشید نظم اداری امرالله است خدمت می کند، نظمی که در حال حاضر در جمیع انحاء عالم در حال استقرار و انبساط است . بدون حمایت و مساعدت قلبی ، مستمر و سخاوتمندانه فرد ، هر اقدام و عملی و هر طرح و نقشه ای که توسط هیأت مدیره جامعه و نمایندگان منتخب ملی آن ، تعیین و تنظیم گردد ، محکوم به شکست خواهد بود . مرکز جهانی امرالله نیز بنفسه ، اگر از چنین پشتیبانی و حمایتی از جانب آحاد افراد جامعه برخوردار نگردد ، فلج خواهد شد . مؤسس طرح و نقشه ملکوتی هم بنفسه المقدّس اگر وسایل و ابزار صحیح و مناسب جهت طرح الهیش مفقود باشد ، از اجرای نوایای مقدّسه خود باز خواهد ماند ، قوه حفظ و صیانت فائضه از نفس مقدّس حضرت بهاءالله ، مؤسس امر اعظم الهی از هر فردی که در بلند مدت در قیام و ایفای نقش خود ناتوان ماند ، دریغ داشته خواهد شد " .

توقیع منیع حضرت ولی امرالله انوار هدایت ص ۱۱۲

۷- منتخباتی از سخنرانی های جناب نخجوانی

نفوسی که به خاطر جلال و عظمت امر قیام می کنند ، نزد جمال مبارک مقبولند . (به نظر شما) برای تقدیم خدمات مخلصانه چه باید بکنیم ؟ خلوص نیت و انگیزه . به علائق شخصی فکر نکنید ، به اینکه دیگران شما را تشویق کنند فکر نکنید . فقط به این بیندیشید که جمال مبارک ناظر و شاهد شما است . وقتی ما دارای انگیزه های متعالی هستیم ، مانند محتوای کلمات مکنونه است . دو لیوان آب است که هر دو دارای آب زلال و صاف هستند . وقتی که صرفاً ذائقه احدیه آنها را می چشد ، یکی شیرین است و دیگری تلخ ، چه که از نفس اماره سرچشمه می گیرد یعنی انجام دادن کار برای دیگران ، و میل به اینکه دیگران متوجه کار ما بشوند .

می دانم که وقتی درباره این نکات فکر می کنیم به خودمان می نگریم و می گوئیم ، " من ضعیف هستم یک فانی نحیف هستم ... به حضرت بهاءالله ایمان دارم ، اما چه کاری می توانم انجام دهم ؟ من یک آدم تنهای ناتوانم . این مقدرات و امکانات چه ربطی می تواند به من داشته باشد ؟ چه کاری می خواهم انجام دهم ؟ چطور باید انجام دهم ؟ امیدوارم همه شما این احساس را داشته باشید . این روش درست فکر کردن است . مسلماً همه ما محتاج و ضعیفیم ، همه لاشیء و ناچیزیم . گاهی به خودم مانند یک چاقو فکر می کنم ، به تیغه خودم نگاه می کنم ، زنگ زده است . به دسته چاقو نگاه می کنم ، کثیف است . اما به خودم میگویم ، هر چه که باشم ، باید خودم را تقدیم حضرت بهاءالله بکنم . وقتی در کمال خضوع ، خشوع ، تضرع و خلوص چنین استدعایی را به ساحت حق تقدیم می کنم ، او این دسته چاقو را در دست می گیرد و از همین تیغه زنگ زده استفاده می کند . مایلم خیلی با دقت به این بیانی که زیارت می کنم گوش بدهید ، بگذارید این کلمات فنا ناپذیر و جاودانی حضرت ولی امرالله در اعماق وجودتان جای بگیرد . می فرماید:

"ای کاش احباً فقط متوجه شوند که جلال و عظمت امر الهی به این نیست که نفوسی با تواناییهای بی نظیر و بی مانند امور امریه را انجام دهند ؛ بلکه به این است که این امور بوسیله نفوس عاشق و مخلص که در کمال ایثار و از خود گذشتگی قیام می کنند ، صورت گیرد . آنها گاهی در حین تقبل و تعهد این امور احساس می کنند قابلیت و کفایت حصول توفیق در آن را ندارند . خداوند بوسیله آنها کارش را انجام می دهد و به آنها استعدادی عنایت می فرماید که برخوردار از آن را هرگز در رویا هم نمی توانست ببیند ."

از سوی دیگر حضرت ولی امرالله می فرمایند افراد مؤمنین حکم آجر را در یک دیوار دارند . بنده برای اینکه مطلب خود را بهتر برسانم عرض می کنم ما حکم سنگهایی را در یک بنا داریم ، همه یک شکل نداریم ابعادمان موزون نیست ، متحدالشکل نیستیم ، ناجوریم ، می خواهیم از ما توی دیوار استفاده شود . بعضی حاضر نیستند دست به ترکیب ما بزنند . گفته می شود اگر قرار باشد از شما در این ساختمان استفاده شود ، باید به شکل مربع یا مستطیل در آئید و صاف و موزون شوید و متحمل کمی تعب و زحمت شوید . می گویند ما همین هستیم که هستیم ، حاضر نیستیم تغییر شکل بدهیم و درد بکشیم . البته همه اینطور نیستند . بعضی دیگر هستند می گویند ما را بتراشید و به هر شکلی که مفید است در آورید . طبعاً بسیار ارجحند و به مراتب بهترند . اما دسته ثالثی نیز هستند که می گویند ما کاملاً در اختیار شما هستیم . اگر می خواهید ما را بسائید و به صورت گرد در آورید و مثل ساروج برای پر کردن سوراخ ها و لابه لای جرزها به کار برید ، حاضریم . این قبیل اشخاص البته نفیس ترند ، اهل اخلاصند ، فداکارند ، اراده ای جز اراده حق ندارند ، نورعلی نورند .

صراف : تبدیل کننده پول ذائقه : چشایی لاشیء : ناچیز

ساروج : مخلوطی است از آهک و خاکستر یا ریگ با آب که از آن جهت ساختن حوض ، آب انبار ، حمام و بنای خانه استفاده می شود .

موزون : هماهنگ

اقتباس از :

۱- نطق جناب نخجوانی در هتل پارک رویال در نومبا (۱۸ اکتبر ۲۰۰۲)

۲- نطق جناب نخجوانی در نیوزیلند (سال ۲۰۰۲)

۳- نطق جناب نخجوانی در مجمع یاران در ارض اقدس